

## پژوهشی در عناصر نظام مدیریتی تربیتی پیامبر اسلام در مکه

محمد شریعتی کمال‌آبادی<sup>۱\*</sup>، عبدالله معتمدی<sup>۲</sup>، بهزاد ایزدی<sup>۳</sup>، سید مجتبی جلالی<sup>۴</sup>

### چکیده

رفتار و اعمال پیامبر اکرم (ص) در مکه در قالب یک نظام مدیریتی تربیتی شایسته مطالعه و ارائه است. تدابیر آن حضرت یا سبک مدیریتی ایشان، هم نشان از شناخت دقیقشان از ویژگی‌های مردم حجاز دارد و هم از دانش جامع آن حضرت از هدف و وظیفه‌ای که بر عهده داشته و تغییراتی که باید در آن جامعه ایجاد کنند. رسول اکرم به‌عنوان یک مربی و مدبر، مبانی، اصول، روش‌ها و هدف‌های خاص خود را به میدان آورد و در راه رسیدن به اهدافشان، از همه‌ی شرایط موجود به بهترین شکل بهره بردند و موفق شدند با اجرای برنامه‌های مناسب در شرایط دشوار این سرزمین، نهضت خود را حفظ و گسترش دهند. مقاله با هدف بیان ویژگی‌ها و شاخص‌های مدیریتی در رفتار پیامبر به‌عنوان عوامل موفقیت ایشان، طی سه مرحله دعوت سری، اعلام آشکار و عمومی رسالت خود، ایمن‌سازی و حفظ موجودیت نهضت اسلامی و با روش توصیفی و تحلیلی صورت پذیرفته است که بر این مینا جایگاه و درجه اهمیت هر کدام از برنامه‌ها، اقدامات و راهبردهای پیامبر در دوران رسالت ایشان در مکه، در سیستمی که به‌عنوان نظام یا مکتب مدیریتی تربیتی پیامبر اسلام نامبردار می‌شود، تعیین گشته است.

**کلیدواژگان:** مدیریت، تربیت، نظام مدیریتی – تربیتی، پیامبر اکرم (ص)، مکه.

---

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول)؛ shariati114@yahoo.com  
۲- دانشیار گروه روانشناسی بالینی و عمومی دانشگاه علامه طباطبائی تهران؛ a\_moatamedy@yahoo.com  
۳- دانش آموخته دوره دکتری رشته تفسیر تطبیقی (از دانشگاه قم). دانشگاه شهرکرد؛ Izadi.b@sku.ac.ir  
۴- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران؛ s.m.jalali@sku.ac.ir  
\* نویسنده مسئول: shariati114@yahoo.com  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

## مقدمه

مسلمانان و حتی کسانی که اسلام را به‌عنوان یک آئین الهی نپذیرفته‌اند در این امر شک ندارند که پیامبر اسلام فرمانده بزرگی بود که زمینه پیروزی سربازانش را در کمترین مدت و با کمترین هزینه و تلفات فراهم آورد. در پرتو مدیریت نیرومند آن حضرت، از درون یک جامعه نیمه وحشی، تمدنی بزرگ به وجود آمد و از قبایل پراکنده عرب امتی قدرتمند تشکیل شد (مکارم، مدیریت و فرماندهی، ۱۳۸۹ش، ص ۲۸).

تردیدی نیست که تألیف امتی واحد در مدت کمتر از ربع قرن، از قبایلی که در طول تاریخ به نزاع، تخاصم، حمله و هجوم بر یکدیگر عادت کرده بودند و خون همدیگر را می‌ریختند، کاری بس بزرگ است که تأثیر آن بر کل تاریخ بشر، بر کسی پوشیده نیست (همان) پیامبر اسلام در دوران رسالت خود در مکه، در راه رسیدن به هدف خود یعنی نشر توحید، از مبانی، اصول و روش‌های مدیریتی و تربیتی ویژه‌ای بهره بردند که نقشه‌ی راه و شاخصه‌های موفقیت ایشان بودند. آن حضرت موفق شدند برنامه‌های خود را مرحله‌به‌مرحله، اجرا کنند و افرادی را متحول کرده و اهداف خود را به پیش ببرند و در جامعه‌ای که خونریزی و جنگ مألوف دیرینه‌ی آن‌ها بود، بدون اقدام به جنگ و درگیری مسلحانه، پیروز این میدان شدند.

سؤال پژوهش آن است که آیا می‌توان رفتار و برنامه‌های پیامبر در مکه را در قالب یک نظام یا طرح (پروژه) مدیریتی تربیتی تعریف کرد و ویژگی‌های مدیریتی آن را احصاء و عناصر و ارکان آن را معرفی کرد؟

هدف پژوهش، بررسی تحلیلی متن و محتوای سیره پیامبر در دوران رسالت در مکه، شناخت شاخصه‌های مدیریتی، دلایل موفقیت آن حضرت و ارائه طرحی تازه، در مطالعه‌ی سیره‌ی عملی آن حضرت است که در طی آن ساختار و ارکان «نظام مدیریتی - تربیتی» ایشان تبیین شده و جایگاه هر کدام از تدابیر یا راهبردها، تاکتیک‌های فرماندهی و مؤلفه‌های جزئی مدیریتی ایشان، در این نظام بدیع تعیین می‌شود. برای این منظور نیز، از آیات قرآن کریم و سیره آن حضرت که از منابع روایی، به دست ما رسیده است و منابع دانش مدیریت و تربیت استفاده شده است. پژوهش به صورت تحلیلی و توصیفی به رشته تحریر درآمده است.

## پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش پیرامون مدیریت پیامبر اکرم تحقیقات و مقالاتی منتشر شده که در آن‌ها نسبت به شیوه‌ی مدیریت موفق و با درایت آن حضرت به‌طور مفصل بحث کرده‌اند؛ از جمله:

امیرحسین بنی اشرف و هم کاران در مقاله «پیامبر اسلام و مدیریت تعالی‌بخش در اقتصاد سیاسی» در نشریه «مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل»، به دنبال ارائه راهکاری روشن برای فهم درست‌تر از مدیریت پیامبر(ص) در حوزه اقتصاد سیاسی و در رویارویی با اقتصاد سیاسی زمان ظهور اسلام است؛ بر اساس پژوهش وی رفتار مدیریتی پیامبر(ص) در مسیر تعالی‌بخشی است و می‌توان این تعالی‌بخشی را در مفهوم امروزی ایدئالیسم عینی گرا پی گرفته و قابل فهم کرد و امروزه نیز به‌عنوان الگویی قابل قبول در مدیریت اقتصاد سیاسی از آن بهره‌مند شد.

اصغر قائدان در مقاله «مدیریت پیامبر در عرصه‌های نظامی» نشریه مطالعات بسیج، معتقد است که پیامبر با استراتژی و برنامه‌ریزی منحصربه‌فرد به برپایی حکومت اقدام کرد و به‌طور کلی مدیریت و رهبری پیامبر در عرصه‌های نظامی، کمتر در معرض دید و نگاه تحلیلی محققان واقع شده است. در این نوشته کوشش شده تا با پرداختن به زوایای مختلف مدیریتی آن حضرت در محورهایی چون مدیریت منابع و نیروهای انسانی، مدیریت‌های آموزشی، سیاسی، فرهنگی و ... ابعادی از مدیریت موفق پیامبر ترسیم شود.

محمدرضا مصطفی پور در مقاله «پیامبر اسلام الگوی مدیریت موفق»، در نشریه پاسدار اسلام، در رابطه با ویژگی‌های خاصی که یک مدیر باید از آن برخوردار باشد تا بتواند مدیر موفق شود مطالبی را بیان کرده و بعد از ارائه و ترسیم خصائص یک مدیر موفق، پیامبر اسلام را چهره‌ای موفق و با درایت در امر مدیریت معرفی می‌کند و مدیریت صحیح و کارآمد پیامبر اسلام را سبب شکوفایی استعدادها می‌داند.

رضا صادقی و همکاران در مقاله «سیره مدیریتی پیامبر اکرم در حوزه انتظام اجتماعی» در نشریه انتظام اجتماعی، انتظام فرد و اجتماع را عامل بسیار مهمی برای نیل به اهداف و تعالی معنوی می‌دانند.

بر اساس این نوشتار، پیامبر اکرم حکومت خود را بر پایه نظم و انتظام بنا نهادند و به همین منظور مسجد را به‌عنوان اولین پایگاه نظم و امنیت معرفی کردند. بر اساس یافته‌های این پژوهش گزاره‌هایی مانند: تأمین نظم و انتظام شهر مدینه و اقدامات امنیتی و ... در سیره مدیریتی پیامبر اکرم حائز اهمیت است.

برای تبیین طرح پژوهش حاضر، در ابتدا تعریفی مختصر از کلمات پرکاربرد در مقاله ارائه می‌شود.

## ۱ - تعریف واژگان

مدیریت داشتن تفکر یا رهیافت و رویه سیستمی (اسلوبی) (Systemic thinking) (ایوبی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۵ - ۴ و رضائیان، ۱۳۸۷، ص ۶۲). و مفهومی ناظر به رهبری، مهارت و نقش فرد در حوزه‌های اجرایی ذیل است: سازماندهی، هماهنگی، هدف‌گذاری، ارتباطات، اطلاعات، جذب و بهره‌وری از منابع انسانی و غیرانسانی، پیشرفت جمعی، تصمیم‌گیری در بحران‌ها، کیفیت آموزش و تربیت، انگیزش و راهبردها (استراتژی‌ها)، تشخیص و به حداقل رساندن موانع و آسیب‌ها (عباس زادگان، ۱۳۷۶، ص ۸، ایوبی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۵ - ۴). و فراگرد به کارگیری مؤثر و کاربرد منابع انسانی بر مبنای نظام ارزشی پذیرفته شده است که از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی و بسیج منابع و امکانات، هدایت، کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده صورت می‌گیرد (رضائیان، ۱۳۸۷، ص ۸). بنابراین تعاریف می‌توان از مدیریت منابع انسانی و تعالی‌بخش و رشد دهنده و یا حتی نقش اخلاق در مدیریت سخن گفت (خنیف و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۴۷).

تربیت در لغت؛ برگرفته از ریشه عربی و به معانی زیاد کردن، نمودادن، وسیله رشد را فراهم کردن و پاک گرداندن (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱ / ۳۰۹، راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۳۶)، رشد جسم، پرورش دادن، زیاد کردن استعدادها در جهت کمال (صناعی، ۱۳۸۰، ص ۱۱)، افزودن، پروراندن، کشیدن، رویانیدن، سرپرستی، پرورتن، اعتدال، به کمال رساندن (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱ / ۲۲؛ الشرتونی، ۱۴۰۳، ۱ / ۳۸۵ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۳۶)، علو، بلندی، کشاندن به سوی کمال، پذیرش، گستردگی و شکوفائی آمده است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۳ / ۳۴).

و در فارسی، این واژه بیشتر معادل اصطلاح انگلیسی "education" به معنی پرورش یا آموزش و پرورش ترجمه شده است (اعرافی و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۳۳۸). که ویژگی آن تعالی بُعد روانی انسان از جنبه‌های مذهبی، اخلاقی و معنوی است (همان). تربیت در اصطلاح؛ به معانی زیر آمده است: به‌مثابه فرایند ارتباط بین مربی و متربی، (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۷، ۱ / ۱۲۵). و نیز فرایند یاری‌رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان، در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری، که به‌منظور دستیابی وی به کمال انسانی و یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارها، صورت می‌گیرد (اعرافی و موسوی، ۱۳۹۰، ص ۵۸)، یا مجموعه اعمال یا تأثیرات عمدی و هدف‌دار یک انسان (مربی) بر انسان دیگر (متربی) فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعدادهای شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب و بر اساس برنامه‌ای سنجیده است (اعرافی و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۳۶۶ و بهشتی، ۱۳۷۷، ص ۳۵ و باقری، درآمدی ...، ۱۳۸۹، ۱ / ۳۷). بنابراین در تربیت سه عنصر اصلی وجود دارد که شناخت آن وابسته به آن‌هاست: مربی (عاملی که فرایند تربیت را فراهم و هدایت می‌کند)، متربی (انسانی که تربیت‌پذیر است) و مسائل تربیت که در قالب نظام خاصی، بین این دو در جریان است.

در مجموع و بر اساس این تعاریف «تربیت اصطلاحی چندوجهی است و حداقل دارای چهار کاربرد اصطلاحی در فضای علمی است. مراد از تربیت می‌تواند «فرآیند و عمل تربیتی»، «نظام تربیتی»، «فرآورده تربیتی» و «علوم تربیتی» باشد.» (میلاره، گاستون، ۱۳۷۵، ص ۳ - ۲).

نظام تربیتی؛ مجموعه‌ی منسجم از اندیشه‌های یک یا چند دانشمند و صاحب‌نظر هم‌عقیده در تربیت، معمولاً متکی به یک فلسفه تربیتی است که منتج به شکل‌گیری یک نظام تربیتی می‌شود. طرفداران یک نظام تربیتی، یک مکتب تربیتی را ارائه می‌دهند.

عناصر اصلی یا کلیات یک نظام یا مدل تربیتی در هر مکتب مدیریتی - تربیتی، همان سیستم، ساختار و سایر اجزاء آن می‌باشند که عبارتند از: مبانی، اهداف، اصول، قواعد کلی و جزئی، برنامه‌ها، مراحل، روش‌ها، اقدامات، عوامل، ارکان، منابع، ابزار، مراتب و ابعاد تربیت. از بین اینها مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها در این مقاله، کاربرد مهم‌تری دارند و لذا تعریف مختصری از آنها و اصطلاحات مترادف با آنها در دانش مدیریت ارائه می‌شود.

مبانی جمع کلمه‌ی مبناست و در هر علم، پایه‌ها و ساحت‌های زیرین و اساسی آن علم و یا پیش‌فرض‌های بنیادین و باورهای پذیرفته شده و مسلم یک صاحب‌نظر در یک مکتب (و یا یک دانش) می‌باشد (ابن فارس، بی تا، ۱/ ۱۰۹ و رضائی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۲ و شاکر، ۱۳۸۲، ص ۴۰).

مبانی تربیت اصول موضوعه یا قضایای نظری به اثبات رسیده‌اند؛ (شریعتمداری، ۱۳۸۳، ص ۱۱) که برای رسیدن به اهداف تربیتی بکار گرفته می‌شوند. مانند خداگرایی و یا آزادی انسان (ملکی، ۱۳۸۲، ص ۲۹ - ۶۴).

واژه «اصول» جمع «اصل» به معنی اساس و بنیان هر چیز است و با واژه مبانی هم‌معنا و دارای ارتباط زیادی می‌باشد لیکن اصل تکیه‌گاه بنیادی درون یک ساخت است و مبانی تکیه‌گاه برونی یک ساخت یا بنا (احمدی، علی‌اصغر، ۱۳۸۲، ص ۸). بنابراین «اصول راهنمای عمل در محدوده‌ی مبانی و دستورالعمل‌های کلی و راهنمای عمل دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت هستند که قاعده‌هائی برای فراهم آوردن دگرگونی‌های مطلوب در افراد و آدمی به دست می‌دهند.» (باقری، در آمدی ...، ۱۳۸۹، ۱/ ۶۱ و همو، نگاهی دوباره، ۱۳۸۷، ۸۷). می‌توان اصول در تربیت را مترادف راهبرد (استراتژی) در دانش مدیریت دانست (رضائیان، ۱۳۸۷، ص ۲۰۹ و ۲۳۹).

روش‌های تربیت بر اصول مبتنی و دستورالعمل‌های جزئی و راه و طریقه‌ای هستند که میان اصل و هدف امتداد دارند، عمل تربیتی را منظم می‌کنند و به هدف می‌رسانند، وظائف عملی یک مربی را مشخص می‌کنند و به متری کمی می‌کنند تا شیوه کار را فراگیرد (احمدی، سید احمد، ۱۳۸۰، ص ۷۱). می‌توان روش را در تربیت مترادف تاکتیک و خط‌مشی یا برنامه عملیاتی در دانش مدیریت دانست و از روش‌های مطرح در آن، روش‌های تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و عملیات را ذکر کرد (رضائیان، ۱۳۸۷، ص ۲۱۴ - ۲۱۳). مهم‌ترین ویژگی روش در این دو دانش، متغیر بودن آن به تناسب شرایط و بر مبنای اصول می‌باشد؛ زیرا با توجه به عوامل گوناگون مکانی و زمانی، ویژگی‌ها، ساخت فرهنگ، تمدن و نیازهای خاص جوامع مختلف ظهور پیدا می‌کند و متناسب با ساختار مخاطبین و جامعه عملیاتی می‌شود؛ (همان، ص ۷). همانند نمازخواندن که یک اصل دینی و تربیتی است اما روش اقامه آن در دوران مبارزه مخفیانه و سری با شرایط جنگ و اضطراب یا در هنگام عادی تفاوت دارد.

با این وصف می‌توان مراد از عنوان «مدیریت تربیتی یا تعالی‌بخش و رشد دهنده منابع انسانی» را تلفیقی از تعاریف نقل‌شده و چنین بیان کرد: راهبری و کنترل فرایند یاری‌رسانی به متری برای ایجاد تغییر تدریجی و بر اساس برنامه‌ای سنجیده است که به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش در جهت بهره‌وری از کمالات فردی و اجتماعی وی، صورت می‌گیرد.

مقصود از نظام مدیریتی - تربیتی داشتن تفکر سیستمی و شیوه‌ای منظم و اثرگذار برای رهبری مربیان در قالب یک نظام تربیتی است. این سیستم محتوی عناصر هر دو دانش همچون هدایت‌گری، کنترل منابع، ایجاد تغییرات و ... است که در راه رسیدن به اهداف تربیتی تأثیرگذار می‌باشند.

همچنین مراد از نظام مدیریتی - تربیتی پیامبر اسلام (ص)، می‌تواند آنچه در مجموع رفتار و سیره پیامبر (ص) دیده می‌شود، باشد که بر اساس آن، حضرت فردی تأثیرگذار در صحنه رهبری اجتماع تلقی می‌شود و عوامل و اسباب پیروزی آن حضرت در این میدان از عملکرد آن به دست می‌آید. در مجموع و بر اساس این مفاهیم، رفتار ایشان را می‌توان در قالب یک مکتب و نظام تربیتی مدیریتی معرفی کرد که عناصر، اجزاء و شاخصه‌های یک ساختار و سیستم مدیریتی - تربیتی جامع و علمی را داراست (با ویژگی‌های جزئی‌نگر، عمل‌گرا، محیط‌گرا، ایده‌آلیستی و هدف‌گرا)

اصلی‌ترین عنصر و عامل مؤثر در این نظام، سخنان، رفتار، اعمال و منش پیامبر است که در فقه، اصول و تاریخ از آن به سیره (شناختن سبک رفتار و روشی که پیامبر در عمل، برای رسیدن به مقاصد خود به کار می‌برد)؛ (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۴۷). و یا سنت

(سخن یا قول، فعل و یا عمل، تقریر یا تأیید پیامبر ص)، (مظفر، ۱۴۰۵، ۵۷ / ۲). تعبیر می‌شود و می‌توان از آن‌ها به تدابیر خاص و یا آورده‌های تربیتی در مدیریت ایشان نام برد.

بدیهی است که در شناخت این عوامل و به‌ویژه روش‌ها، توجه به قراین حالی و مقالی صدور سخن و یا انجام کارها، ضروری است همچنین دقت در شرایط حاکم بر مکان وقوع این اقدامات، یعنی شهر مکه در دوران جاهلیت و اوان بعثت، اهمیت زیادی دارد و کسب حجیت و داشتن اعتبار شرعی و دستورالعمل شدن هر یک از سنن پیامبر برای مسلمانان، مشروط به شناخت و تحلیل این شرایط است، به‌ویژه اینکه قرن‌ها از زمان صدور و ثبت سنت پیامبر گذشته است و در طی این دوران در بسیاری از مواردی که مربوط به فهم مراد و مفهوم روایات و کشف حکمت و شناخت مصادیق رفتار پیامبر (هرمنوتیک حدیث) است، بین فرقه‌های اسلامی، اختلافات مبنایی و اصولی پدیدار شده و لذا امروزه این دانش که همان فهم مراد از متن احادیث است، در بین اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان به دانشی مهم تبدیل شده و درباره معیارها و ملاک‌های آن تحقیقات علمی و فلسفی گسترده‌ای در محافل پژوهشی صورت گرفته است.

برای شناخت نظام مدیریتی تربیتی پیامبر (ص)، مجموع برنامه‌ها و اقدامات آن حضرت از منابع روایی و سیره نقل و با بررسی و تحلیل آن‌ها، در قالب مبنایی، اصول، اهداف، روش‌های مدیریتی و تربیتی و ... تعریف شده‌اند.

## ۲ - پیشینه

مطالعه و تحقیق در سیره و سنت پیامبر اسلام و بررسی جوانب و زوایای مختلف آن، از صدر اسلام تاکنون، موردتوجه پژوهشگران حوزه‌های مختلف پژوهشی قرار گرفته است. دانشمندان رشته‌های تاریخ، جامعه‌شناسی، دین‌شناسی، کلام، حدیث، فقه، اصول، عرفان، اخلاق و ... هر کدام از منظر دانش خود به بررسی و کاوش در زندگی و سیره‌ی ایشان پرداخته‌اند. وفور منابع مطالعاتی در این باره، گواهی‌گویا بر این موضوع است؛ به‌عنوان نمونه درباره مدیریت پیامبر - غیر از منابع سیره و تاریخ - می‌توان از این پژوهش‌ها نام برد: نساجی زواره با عنوان «پیامبر اعظم برترین الگوی مدیریت» (۱۳۹۵: ۱۲ - ۸)، رضایی و همکارانش با عنوان «سیره مدیریتی پیامبر اکرم در حوزه انتظام اجتماعی» (۱۳۹۵: ۱۶ - ۱)، علیانسان با عنوان «شیوه پیامبر اکرم (ص) در مدیریت روانی جامعه اسلامی» (۱۳۹۴: ۷۸ - ۵۵)، ولوی با عنوان «پژوهشی موردی در مدیریت پیامبر در غزوه احزاب» (۱۳۹۶: ۲۳ - ۷)، باقری با عنوان «جنبه‌هایی از مدیریت بحران پیامبر اکرم (ص)»، یادگاری و محمدی با عنوان «بررسی مؤلفه‌های ذهنیت فلسفی در مدیریت پیامبر اکرم (ص)» (۱۳۸۷: ۱۹۱ - ۲۲۵)، تقوی با عنوان «شیوه‌های مدیریتی پیامبر در هم‌گرا کردن بازار مدینه» (۱۳۹۶: ۷ - ۲۶)، تحقیق کرده‌اند؛ لیکن بررسی جامع و چندجانبه و یا پژوهش بین‌رشته‌ای درباره مدیریت پیامبر در دوران دشوار رسالت در مکه، کمتر صورت گرفته است. از آنجاکه برترین و مهم‌ترین جنبه از تدابیر مدیریتی ایشان، زمینه‌های تربیتی آن‌هاست، در این پژوهش، به مطالعه اقدامات ایشان در قالب یک نظام مدیریتی - تربیتی، توجه شده که در عین داشتن اهمیت، کمتر به آن پرداخته شده است.

## ۳ - یافته‌های پژوهش

این مطالعه از آن جهت اهمیت و ضرورت دارد که به‌مقتضای آیه‌ی: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه»؛ (احزاب / ۲۱)، این نظام جامع و کارآمد مدیریتی تربیتی، می‌تواند بهترین الگو برای مربیان، کارگزاران و رهبران جوامع بشری باشد. همچنین شناخت مجموع تدابیری که نشان از اعمال مدیریت نظام‌مند آن حضرت برای رسیدن به اهداف والای ایشان است، می‌تواند هم در دانش مدیریت و هم در دانش تربیت و مکاتب تربیتی و هم در تدوین نظام مدیریتی - تربیتی نبوی، موردتوجه قرار گیرد.

### تدابیر، شیوه‌ها، جلوه‌ها و نمونه‌های مدیریت پیامبر اکرم در مکه

پیامبر اسلام (ص) در آغاز نهضت خود با شرایط بحرانی در ساختار فرهنگ، تربیت و باورهای جامعه شرک‌آلود مکه مواجه بودند؛ آن حضرت برای تغییر در فرهنگ، عقاید و پرورش تازه‌مسلمانان و زدودن دل‌های آن‌ها از رسوبات شرک، همگام کردن آن‌ها برای یک حرکت انقلابی و گام نهادن در مسیری که دین جدید برای آن‌ها ترسیم کرده، نیازمند داشتن برنامه‌ای کارآمد بودند. در

این برنامه آزاد کردن مردم از شرک و هدایت آن‌ها به خداپرستی هدف رسالت و توحیدگرایی و خدامحوری، یک مبنای تربیتی و دعوت مردم به آن، یک اصل بود. مهم‌ترین مبانی آن حضرت توحید گرایی، گسترش آئین خداپرستی، هدایت مردم و اصلاح جامعه از اعتقادات نادرست و ریشه کن کردن جهالت است که با استناد به این آیات و روایات به دست می‌آید: «وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (شوری / ۵۲)، «لَتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»؛ (ابراهیم / ۱) و «يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (حدید / ۵۷)، و حدیث «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۴ / ۴۰۷، باب ۲۷ و دیلمی، ۱۴۰۸، ۲۷۴ و ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹، ۲ / ۱۶۲) و از اصول هم می‌توان از اخلاص آن حضرت، تبلیغ دین در هر شرایطی، توجه و اتکاء به خدا، اطمینان به اشراف خدا بر امور، برپایی نماز، زانو نزدن در برابر سختی‌ها و مشکلات، اتکاء به روحیه عالی، استقامت و شکیبایی، هوشیاری و درایت ایشان نام برد. هر کدام از این اصول، زیر مجموعه و نشان از مبانی پیامبر در این نظام دارد. در راه رسیدن به این اصول نیز تدابیر یا روش‌های مهمی در سیره آن حضرت مشاهده می‌شود که در ادامه مطالب معرفی شده‌اند. همه اینها نیز زمینه‌های دستیابی به اهداف متعالی تربیتی ایشان می‌باشند.

آن حضرت برای نیل به این اهداف، با موقعیت‌شناسی، برنامه‌ریزی عملیاتی، تصمیم‌گیری در موقعیت‌های پرمخاطره و با مدیریتی نظام‌مند، ابتدا دعوت سری و پنهانی و سپس دعوت علنی و آشکار خود را برنامه‌ریزی و عملیاتی کرد (مکارم، ۱۳۸۹-مدیریت و فرماندهی، ۲۹).

### ۱) دعوت سری و روش‌های عملیاتی پیامبر

از آنجاکه سرزمین مکه طی دوران طولانی پیش از بعثت، در مرداب خرافه‌ها و تعصبات، روزگار می‌گذراند، اعلان یکباره‌ی آئین توحیدی و شوریدن دفعی علیه همه‌ی مظاهر جاهلیت جز برای گروه خاصی از اهل معرفت، قابل تحمل نبود (صدوق، ۱۳۹۰، ۳۴۴/۲). رسول خدا با عنایت به این شرایط، تبلیغ و دعوت خصوصی خود را آغاز کرد تا پس از جذب نیرو و تربیت هسته‌های اصلی تبلیغ، زمینه‌ی اعلام آشکار و عمومی دین جدید را فراهم آورد. این دوره به‌منزله دوره آمادگی و تربیت عقیدتی و روحی مؤمنان برای مقاومت در مقابل تهدیدهای آتی دشمن بود. قرآن کریم به استناد به این اصل که در آغاز حرکت‌های بزرگ اجتماعی، باید نیروهای توانمند و صبور تربیت شوند تا در صورت مقاومت دشمنان بتوانند در مقابل آن‌ها ایستادگی کنند، صبر و پایداری در راه حق و توانمندسازی مؤمنان، را بر ایشان فرض و واجب کرده و پیامبر و مؤمنان را به آن امر کردند. «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنِ تَابَ مَعَكَ» (هود / ۱۱۲).

### الف - دعوت خصوصی افراد؛

در طول سه سال اوان بعثت، دعوت سری، روش پنهان‌کاری و دوری از شتاب‌زدگی سرلوحه‌ی کار رسول خدا و مسلمانان قرار داشت (حاکم نیشابوری، ۱۴۴۲، ۳ / ۱۱۲). نبی اکرم به خاطر شرایط زمانه دعوت خود را آشکار نکرد. در این مرحله، حضرت پیش از جامعه‌سازی و توجه به عموم مردم، به اصل تربیتی فردسازی روی آورد. در روایات نقل‌شده ایشان با تماس‌های سری، گروهی را به آیین خود دعوت کرد و در همین روش دعوت سری بود که توانست موافقت جمعی را که از نظر فکر و استعداد شایسته و آماده به نظر می‌آمدند، با آیین توحیدی خود جلب کند و آنان نیز دعوت ایشان را پذیرفتند (طبری، ۱۴۰۹، ۲ / ۲۱۶). رسول خدا در آغاز افرادی را به صورت موردی و بدون جلب توجه دیگران، به اسلام دعوت می‌کردند و در این میان اشخاصی به آن حضرت پاسخ مثبت دادند و آزادانه مسلمان شدند. در این مدت قریش از آیین او خبر نداشتند (ابن هشام، ۱۴۰۹، ۱ / ۲۸۰). آن حضرت فقط با افراد تماس‌های خصوصی برقرار می‌کرد و هر کس را شایسته و لایق و مستعد برای پذیرش آئین خود می‌دید دعوت می‌کرد و به این روش توانست گروهی را پیرو خود و هدایت کند (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰). از صحابه درباره وضعیت مسلمانان در این دوره نقل شده که ما در ابتداء، اسلام خود را مخفی می‌کردیم و در خانه‌های در بسته و در شب نماز می‌خواندیم و برخی از ما برای دیگران نگهبانی می‌دادند (ابن هشام، ۱۴۰۹، ۱ / ۲۸۰). حتی نقل شده حضرت در طول این سه سال به همراه دیگر مسلمانان، برای ادای فرایض دینی، مخفیانه به کوه‌ها و بیابان‌های اطراف مکه می‌رفتند و نماز را در خفاء و پنهانی اقامه می‌کردند (همان و طبری، ۱۴۰۹، ۲ / ۶۱).

### ب - انتخاب خانه ارقم ابن ابی ارثم به عنوان پایگاه تبلیغ

در روایات چنین نقل شده که روزی مسلمانان در یکی از دره‌های مکه نماز می‌گزارند در همان حال برخی از مشرکان آن‌ها را مشاهده و به عمل آنان اعتراض کرده و کار آنان را نکوهش کردند. این واقعه سبب شد که درگیری مختصری میان یاران پیامبر و برخی از مشرکان به وجود بیاید، از این رو رسول گرامی با درایت خود، خانه‌ی ارثم را محل عبادت قراردادند، ارثم یکی از یاران آن حضرت و هفتمین شخصی بود که اسلام را پذیرفت. خانه او در کنار کوه صفا قرار داشت و محل امنی برای مسلمانان محسوب می‌شد (محمد بن اسحاق، ۱۹۹۴، ۴/۱۴). پیامبر اکرم (ص). برای این‌که برنامه‌هایش از چشم مشرکان دور باشد در خانه‌ی وی به تبلیغ دین و پرستش خدا پرداخت؛ البته پیامبر نماز را به‌عنوان یک اصل که مجموعه‌ی معارف معنوی برای ارتباط با معبود است، همیشه و در شرایط گوناگون، در منزل ارثم و همین‌طور در پای کوه صفا و گاهی فراروی مخالفان برپا می‌داشت (ابن سعد، ۱۴۰۵، ۱/۱۹۹).

رسول خدا (ص) تا سال چهارم بعثت همراه با یارانش در آنجا بسر می‌برد و کسانی که قصد مسلمان شدن داشتند به آنجا می‌آمدند و نزد آن حضرت هدایت می‌شدند این خانه در تاریخ اسلام به اندازه‌ای اهمیت پیدا کرد که به صورت یک مقطع تاریخی در مطالعه‌ی صدر اسلام در آمده است و در کتاب‌های سیره، حوادث دوران مکه با ذکر اینکه قبل از ورود به خانه ارثم رخ داده یا بعد از آن اتفاق افتاده، تاریخ‌گذاری شده‌اند (کردی، ۱۴۱۰، ۲/۸۸).

### ج - عدم انتقاد آشکار از مشرکان

از دیگر روش‌های پیامبر در این دوران، عدم انتقاد آشکار از مشرکان است. پیامبر اکرم (ص) با اِعمال روش‌های ویژه مدیریتی، مانع از این شدند که سران قریش در ظرف این سه سال متعرض ایشان شده و کوچک‌ترین جسارتی نسبت به ایشان بکنند؛ به همین سبب آن‌ها پیوسته ادب و احترام او را نگاه می‌داشتند و او نیز در ظرف این مدت از بتان و خدایان آن‌ها آشکارا انتقاد نمی‌کرد. از ابن مسعود درباره رفتار اجتماعی و چگونگی اقامه نماز در کنار کعبه توسط پیامبر در این سال‌ها، این‌گونه نقل شده است: در کنار چاه زمزم با عباس بن عبدالمطلب مشغول گفتگو بودیم که مردی با چهره سپید و گلگون و چون ماه درخشان از سمت کوه صفا وارد مسجدالحرام شد، نوجوانی زیبا همراهش بود و به دنبال او بانویی آهسته و باوقار گام برمی‌داشت آن‌ها وقتی نزدیک کعبه رسیدند حجرالأسود را احترام کردند و هفت بار به دور خانه خدا دور زدند آنگاه در برابر رکن به نماز ایستادند (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۴۰۷، ۱/۲۸۷). او در ادامه می‌گوید از ابن عباس پرسیدم: آیا آیین جدیدی در قریش پدید آمده؟ گفت آری، آن مرد برادر زاده‌ام محمد (ص) و آن زن خدیجه همسر اوست و آن نوجوان علی پسر ابوطالب است. اینان خدا را این‌چنین عبادت می‌کنند. اکنون در روی زمین به جز این سه تن، کسی یافت نمی‌شود که خدا را این‌گونه عبادت کند (نویری، ۱۳۶۴، ۱/۱۸۰).

### د - دعوت از خویشاوندان

با ازدیاد نسبی تعداد مسلمانان روش‌های دعوت خصوصی گسترده‌تر شد. پیامبر در مرحله‌ی جدید برای فراگیر کردن تبلیغ دین، برای نخستین بار مخفی‌کاری را کنار گذاشت و آئین خود را در میان خویشاوندان طرح کرد. بعد از نزول آیه‌ی «و انذر عشیرتک الاقربین»؛ (شعرا / ۲۱۴)، پیامبر (ص) برای اجرای این فرمان و تبلیغ توحید و حق، بدون هرگونه ترس، وا همه و ملاحظه افراد، حتی بستگان مشرک خود را از دعوت خود استثنا نکردند (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ۱/۶۵ و مفید، ۱۴۱۳، ۱/۴۹).

با افزایش گروندگان به پیامبر (ص) و فراهم شدن زمینه ذهنی و اجتماعی برای دعوت عمومی و علنی و پیش از شروع این مرحله‌ی دشوار، ایشان دعوت خود را از بستگان‌شان آغاز کردند که هم سوابق پاک‌ی او را بهتر از همه می‌شناختند و هم پیوند و محبت خویشاوندی ایجاب می‌کرد که به سخنانش بیش از دیگران گوش فرا دهند و از حسادت‌ها و کینه‌توزی‌ها و انتخاب مواضع خصمانه نسبت به ایشان، دوری‌گزینند و از او حمایت کنند. رسول مکرم اسلام به این جهت، نزدیک به چهل و پنج نفر از نزدیکان و فرزندان عبدالمطلب را که ابوطالب، حمزه و ابولهب نیز در بین آنان بودند، به میهمانی دعوت کردند. به دستور رسول خدا، حضرت علی (ع) سفره‌ای گسترد. پس از خوردن غذا ابولهب، که بهره‌گیری تعداد زیادی میهمان از غذای اندک، برایش

شگفت‌آور بود، ناسپاسی کرده پیش‌ازاینکه رسول خدا لب به سخن بگشاید، با سخنان خود، آمادگی مجلس را برای طرح موضوع رسالت از بین برد و با گفتن این جمله که محمد شما را جادو کرده است، محفل را بر هم زد (طبرسی، اعلام‌الوری، ۱۹۷۰، ۷/۳۲۲). پیامبر مصلحت را در این دید که طرح موضوع را به روز بعد موکول کند. لذا حضرت با ترتیب دادن ضیافتی دیگر، در پایان جلسه رو به سران فامیل نمود و سخن خود را با ستایش خدا و اعتراف به وحدانیت وی آغاز کرد و فرمود: به راستی هیچ زمانی راهنمای یک جمعیت به کسان خود دروغ نمی‌گوید. به خدایی که جز او خداوندی نیست، من فرستاده شده خدا به سوی شما و به عموم جهانیان هستم، هان ای خویشاوندان من، شما بسان خفتگان می‌میرید و همانند بیداران زنده می‌گردید و طبق کردار خود مجازات می‌شوید و بهشت خدا (برای نیکوکاران) دائمی است و دوزخ (برای بدکاران) همیشگی است (حلبی، ۱۴۰۹، ۱/۳۲۱).

علیرغم اینکه نزدیکان پیامبر در آن جلسه ایمان نیاوردند؛ اما روش دعوت خویشاوندان، تاکتیکی بسیار تأثیرگذار بود. پیامبر با این تدبیر، به روشی نیکو که در میان عرب رایج بود و به منزله‌ی یک اصل اجتماعی - تربیتی در بین آن قوم پذیرفته شده بود، از موقعیت خویشاوندی بهره برده و از این راه توانست سنگر مهمی در برابر هرگونه مخاطرات احتمالی به دست آورد. برگزاری این مجلس این زمینه را فراهم می‌کرد که خویشاوندان او، حتی اگر به آیین او هم نمی‌گرویدند، لاقلاً به واسطه احساسات و تعصبات خویشاوندی و قومی، به دفاع از او بر می‌خواستند.

## ۵ - تعیین وصی و جانشین در مجلس دعوت از خویشاوندان، هدف‌گذاری، آینده‌نگری و تدبیری برای ادامه نهضت

پیامبر در ادامه سخنان خود در حضور خویشاوندانشان چنین فرمود: هیچ‌کس از مردم برای کسان خود چیزی بهتر از آنچه من برای شما آورده‌ام، نیاورده است. خدایم به من فرمان داده که شما را به جانب او بخوانم. کدام یک از شما پشتیبان من خواهد بود، تا برادر و وصی و جانشین من میان شما باشد. وقتی سخنان آن حضرت به این نقطه رسید، سکوت مطلق همه مجلس را فرا گرفت و هر کدام از آن‌ها درباره این سخنان و تصمیم و انتخاب خود به فکر فرورفتند. در آن لحظه حضرت علی (ع) که آن روز جوانی پانزده‌ساله بود، سکوت مجلس را در هم شکست و برخاست و با لحنی جدی و قاطع عرض کرد: ای پیامبر خدا من آماده پشتیبانی از شما هستم. پیامبر دستور داد تا آن حضرت بنشیند. حضرت علی پس‌ازآن، گفتار خود را سه بار تکرار کرد؛ اما جز همان جوان پانزده‌ساله کسی پاسخی به درخواست پیامبر نداد. در این هنگام پیامبر رو به خویشاوندانشان کرد و فرمود «إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِيَّ وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ فَأَسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا»، (میلانی، ۱۴۲۷، ۴۰۹/۲)، مردم این جوان برادر و وصی و جانشین من میان شماست. به سخنان او گوش فرا دهید و از او پیروی کنید. با پایان یافتن مجلس، حاضران با حالت خنده و تبسم رو به ابوطالب نمودند و گفتند: محمد دستور داد که از پسر پیروی کنی و از او فرمان ببری و او را بزرگتر از تو قرار داد (طبری، ۱۴۰۹، ۶۲/۲ - ۶۳ و ابن اثیر، اسد الغابه، ۱۴۰۹، ۴۱/۲ - ۴۲ و ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۸، ۱۱۱/۱). این اقدام پیامبر نشان داد که پیامبر افق‌های دور دست این نهضت را می‌بیند و به ماندگاری، موفقیت و حاکمیت آن در آینده ایمان راسخ دارند و با اطمینان، برنامه‌ی دوران پس از حیاتشان را نیز ارائه کرده و امید دشمنان به زوال این فروغ تابناک را بی‌ثمر می‌داند.

## ۲) دعوت عمومی و روش‌های پیامبر در رویارویی با مشرکان

با نزول آیه‌ی «آنچه را مأموریت داری، آشکارا بیان کن و از مشرکان روی بگردان و اعراض کن»؛ (حجر/ ۹۴)، پیامبر اسلام مأموریت یافت که روش دعوت را تغییر دهد و رسالت خود را به‌طور علنی به عموم مردم ابلاغ کرده و به تهدیدهای مشرکان اعتنا نکند و از آنان نهراسد. مفسرین در توضیح چگونگی اعراض از مشرکین که در این آیه آمده، دو احتمال داده‌اند: ۱ - منظور از اعراض، در پیش گرفتن روش بی‌اعتنایی به آنان و نترسیدن از تهدیدهایشان است. ۲ - مراد آیه ترک روش مبارزه و پیکار با آن‌هاست؛ زیرا در آن زمان هنوز قدرت مسلمانان به حدی نرسیده بود که در مقابل دشمن، دست به مبارزه مسلحانه بزنند (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۷۹، ۱۱/۱۴۰). بر اساس این آیه و بنابر هر دو تفسیر، خداوند متعال به رسول اکرم (ص) دستور دادند که در انجام مأموریت بزرگ و خطیر خود به تبلیغ آشکار روی آورده و از زبان فصیح خود استفاده کند و مطالب حق را آشکار و بدون پنهان کاری به عموم مردم ابلاغ نماید و وقت خود را به مذاکره بی‌حاصل با مشرکان صرف نکند.



در منابع تاریخی آمده است سه سال از آغاز بعثت گذشته بود که پیامبر گرامی پس از دعوت خویشاوندان، روش دعوت عمومی را درپیش گرفت و این بار با صدای رسا عموم مردم را به آیین یکتاپرستی دعوت کرد. روزی در کنار کوه صفا، روی سنگ بلندی ایستاد و با صدای بلند گفت: «یا صباحاه!»<sup>(۱)</sup> ندای پیامبر جلب توجه کرد و گروهی از قبایل مختلف قریش به حضور وی شتافتند. در این هنگام پیامبر رو به جمعیت کرد و فرمود: ای مردم اگر من به شما خبر دهم که پشت این کوه (صفا) دشمنان شما موضع گرفته‌اند و قصد جان و مال شما را دارند، آیا مرا تصدیق می‌کنید؟ همگی گفتند: آری، زیرا ما در طول زندگی از تو دروغی نشنیده ایم. پیامبر ادامه دادند: ای جماعت قریش! خود را از آتش نجات دهید. من در پیشگاه خدا نمی‌توانم برای شما کاری انجام دهم. من شما را از عذاب دردناک می‌ترسانم. سپس افزود: موقعیت من همان موقعیت دیدبانی است که دشمن را از نقطه دوری می‌بیند، فوری برای نجات قوم خود، به سوی آن‌ها شتافته و با فریاد «یا صباحاه» آن‌ها را از آمدن دشمن با خبر می‌کند (حلبی، ۱۴۰۹، ۱/ ۳۲۱). قریش که کم و بیش از آیین و ادعای رسالت او اطلاع داشتند، این بار با شنیدن این سخنان ترس وجود آنان را فرا گرفت؛ اما ابو لهب که از سران کفر بود، سکوت مردم را شکست، روی به آن حضرت کرد و گفت: وای بر تو! ما را برای همین کار دعوت کردی؟ با این سخن ابولهب جمعیت متفرق شدند. در احادیث دیگری روش‌های دیگر پیامبر (ص) در تبلیغ دین ذکر شده‌اند؛ ایشان هر کدام از طوائف قریش را به‌طور جداگانه صدا می‌زد و آن‌ها را انذار می‌داد و از آتش الهی بر حذر می‌داشت. گاه به طائفه ای می‌فرمود: ای طائفه بنی کعب خود را از آتش رهایی بخشید (قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۳/ ۱۴۴ و سیوطی، ۱۴۱۰، ۵/ ۹۵).

پس از این ندای عمومی و شروع تبلیغات فراگیر و با جدیت و پایداری پیامبر و یارانش، افراد جدیدی به پیامبر ایمان آوردند. با آشنایی و امتزاج کسانی که پیش از دعوت همگانی به صورت سری، ایمان آورده بودند، با افراد تازه مسلمان که پس از اعلان نبوت، به دعوت پیامبر لبیک گفتند، زنگ‌های خطر در تمام محافل کفر و شرک مکه به صدا درآمد و انتقاد از بتان و از آیین آن‌ها بر سر زبان‌ها افتاد و روش‌های مخالفت و مبارزه علنی شد.

**الف - تدابیر پیامبر در برابر تهدید و آزار مشرکان؛** اگرچه برای سران نیرومند و مجهز قریش، کوبیدن یک نهضت نوین کار سهل و بسیار آسانی بود؛ اما آنچه مانع برخورد جدی مشرکان با این نهضت شد این بود که پیامبر با درایت و تبلیغ گسترده باعث شدند که افرادی از بین قبایل گوناگون قریش به ایشان ایمان بیاورند. چون اعضاء این نهضت در میان قبایل پراکنده حضور داشتند و سران قریش نمی‌توانستند با تمام قبایل مقابله کنند و برای قلع‌وقمع کردن و نابودی آن‌ها برنامه‌ریزی کنند، اتخاذ تصمیم قاطع درباره چنین گروهی، برایشان سخت و دشوار شد. سران قریش، برای جلوگیری از گسترش این نهضت و پس از مشورت با یکدیگر چنین تصمیم گرفتند که اساس این حزب و بنیان‌گذار این مکتب را با روش‌های خاص از بین ببرند، بدین منظور گاهی از شیوه‌ی تطمیع وارد می‌شدند تا او را با وعده‌های رنگارنگ از دعوت خود بازدارند و احياناً به‌وسیله تهدید و آزار از انتشار مکتب او جلوگیری می‌کردند. آن‌ها چون می‌دانستند به سبب نفوذ فراوان ابوطالب، تا وقتی که حمایت وی از پیامبر ادامه دارد، نمی‌توانند با پیامبر برخورد کنند، برای پایان بخشیدن به حمایت ابوطالب از رسول خدا نزد وی شتافتند. آن‌ها تصمیم داشتند از رئیس قبیله‌ی بنی‌هاشم بخواهند که یا محمد را از ادامه تبلیغ دین بازدارد و یا او را به آنان واگذارد؛ اما برخورد منطقی ابوطالب و سخنان نرم او، مانع از هرگونه اقدام سران قریش شد؛ بنابراین ابوطالب را رها کردند و رفتند (طبری، ۱۴۰۹، ۲/ ۶۵ و ابن هشام، ۱۴۰۹، ۱/ ۲۶۵). شورای مشورتی قریش چون دیدند پیامبر اکرم دست از تبلیغ رسالت خود بر نمی‌دارد برای بار دوم نزد ابوطالب شتافتند و خطاب به ابوطالب گفتند: پیش‌ازاین از تو خواستیم کردار برادرزاده‌ات را کنترل کنی ولی به درخواست‌های ما توجه نکردی؛ اکنون اعلام می‌کنیم که ما نمی‌توانیم پست شمردن افکار خویش و خرده‌گیری بر خدایانمان را تحمل کنیم. باید محمد را از این کار بازداریم و گرنه با او و تو پیکار خواهیم کرد تا یکی از دو گروه از میان برود (همان).

### ب - پاسخ قاطع و شجاعانه پیامبر به درخواست مشرکان

رسول اکرم (ص) در دفاع از مبانی خود و در پاسخ به تهدید مشرکان که خواسته بودند پیامبر از تبلیغ رسالت خود دست بردارد، دست برداشتن از اهداف، مبانی و اصول خود را رد کرد و چنین فرمود: به خدا سوگند، اگر خورشید را در دست راست و ماه را در

دست چیم قرار دهند و بخواهند از این هدفم که همان تبلیغ آیین اسلام است دست بردارم هرگز چنین نخواهم کرد تا آن که خداوند آن را پیروز گرداند یا در این راه کشته شوم (همان، ص ۳۲۲).

### ۳) گسترش حوزه تبلیغ و صیانت از دستاوردهای نهضت

با گسترش نهضت و افزایش مسلمانان نیاز بود تا رهبر و مدیر این حرکت برای حفظ دستاوردهای آن و صیانت از موجودیت آن در برابر تهدیدات قریش، تدابیری بیندیشند و مانع از بین رفتن زحمات خود و یارانشان شوند. از جمله این تدابیر برنامه‌ریزی برای تربیت مسلمانان و آموزش دینی آن‌ها و استفاده از ظرفیت‌های موجود در خارج از مکه و در نهایت تغییر در منطقه جغرافیایی تبلیغ دین بود.

#### الف - روش‌های پیامبر در آموزش تازه‌مسلمانان

بر اساس آیه‌ی: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛ (جمعه/۲)، مهم‌ترین هدف پیام‌آوران الهی تربیت انسان و ارائه برنامه برای خارج ساختن آدمی از تاریکی‌ها و هدایت او به سوی نور، است؛ به همین دلیل تمام همت پیامبر(ص) در شهر مکه، متوجه آموزش‌های عقیدتی و فکری و فرهنگی بود. در این دوران ۱۳ ساله، مسلمانان به‌طور مداوم، وقت خود را صرف آموزش و فراگیری تعالیم اسلام کرده و به همین دلیل قسمت عمده سوره‌های قرآن نیز در همین دوران نازل شد (مکارم، مدیریت و فرماندهی، ۱۳۸۹، ص ۲۹) پیامبر از آموزش، فراگیری و حفظ آن به‌عنوان یک اصل تربیتی و آموزشی هم برای رشد فکری، دینی، تهذیب و خودسازی مسلمانان و هم برای حفظ قرآن در اذهان بهره بردند. در طی یک برنامه تربیتی، مؤمنان خود را موظف می‌کردند علاوه بر اقامه نماز در پنج وقت، که برنامه عملی روزانه برای سازندگی آن‌ها بود، شب‌ها به پا خیزند و به مقدار توانایی خود این کتاب آسمانی را تلاوت کنند (مزمّل / ۲۰) و زندگی خود را با آموزه‌های آن تطبیق دهند. هدف پیامبر (ص) و نتیجه این برنامه‌های آموزشی در این سیزده سال، پرورش مسلمانانی آگاه، معتقد، مؤمن، متعهد، شجاع و ایثارگر و پیشرفت سریع اسلام بود.

#### ب - تدابیر پیامبر برای ضبط و نگهداری قرآن

حفظ قرآن از تحریف، به‌ویژه در مکه، برای پیامبر اکرم(ص) یک اصل بود. یکی از راهبردهای اساسی یا روش‌های ایشان برای ضبط و نگهداری آیات قرآن کریم این بود که از همان آغاز نزول وحی، جمعی از نویسندگان مورد اعتماد خویش را برای نگارش صحیح قرآن برگزید (حجتی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۱). همواره افرادی از این جمع که به کاتبان وحی شهرت داشتند، پیامبر را همراهی می‌کردند و کلام خدا را به مجرد نزول بر آن حضرت، می‌نگاشتند (خویی، بی تا، ص ۲۳۸). نگارش آیات قرآن از آغاز بعثت یکی از علل حفظ و مصون ماندن آن از هرگونه تغییر و تحریف بود (زرقانی، بی تا، ص ۲۰۰). این راهبرد نزد مسلمانان چندان اهمیت داشت که آن‌ها گاهی مهریه‌ی زنان را آموزش قرآن قرار می‌دادند (حر عاملی، ۱۴۰۸، ۶۰/۱۵).

#### ج - دعوت از سران قبایل در موسم حج

پیامبر با بیشتر شدن فشارهای مشرکان، با رویکرد به روش جدید و بهره‌گیری از فرصت حج و نشر دین در بین زائرانی که از سرزمین‌های اطراف وارد مکه می‌شدند و جذب نیرو از بین آن‌ها و در نهایت با مهاجرت به مدینه، توانست نقشه‌های آن‌ها را خنثی کند. بدین منظور پیامبر اکرم در موسم حج با رؤسای عرب که ساکن در اطراف مکه بوده و یا از شهرهای دیگر به مکه می‌آمدند، ملاقات می‌کرد و دین و آئین خود را به آن‌ها عرضه می‌داشت. در منابع تاریخی نقل شده که در یکی از موسم‌های حج، گروهی از قبیله بنی عامر وارد مکه شدند. پیامبر آیین خود را بر آن‌ها عرضه کرد، آن‌ها نیز پذیرفتند که به وی ایمان آورند مشروط بر این که رهبری جامعه پس از درگذشت آن حضرت، با آنان باشد. پیامبر فرمود: این کار در دست خداست و هرکس را او مصلحت بداند برای این امر برمی‌گزیند. آنان از پذیرش اسلام سرباز زدند؛ اما پس از بازگشت به وطن جریان تماس محمد(ص)

با خود را با پیرمرد روشن دلی در میان گذاشتند. او گفت این همان ستاره درخشانی است که از افق مکه طلوع کرده است (ابن هشام، ۱۴۰۹، ۱ / ۴۲۲).

#### د - بستن پیمان عقبه

تبلیغات پیگیر پیامبر اکرم(ص) در بین زائران و حاجیان، سبب جذب گروهی از یثربیان به آیین توحید شد. در سال دوازدهم بعثت دسته‌ای مرکب از دوازده تن، از مدینه حرکت کرده و با رسول گرامی در «عقبه» ملاقات کردند. پیامبر اکرم از روشی راهبردی که برگرفته از فرهنگ اعراب جاهلی بود و می‌توانست راهی برای گذار از بحران مکه باشد بهره برده و نخستین پیمان اسلامی را با آن‌ها منعقد کردند. پس از پذیرفتن اسلام و اصول دین توسط آن‌ها، پیمانی بین آن‌ها و پیامبر تنظیم و موردپذیرش قرار گرفت که در منابع تاریخی متن آن چنین ضبط شده است: با رسول خدا پیمان بستیم که به موارد زیر پایبند باشیم: به خدا شرک نوزیم، دزدی و زنا نکنیم، فرزندان خود را نکشیم، به یکدیگر تهمت نزنیم، کار زشت انجام ندهیم و دران جام کارهای نیک نافرمانی نکنیم. رسول گرامی به آنان گفت: اگر بر طبق این پیمان عمل کنید جایگاهتان بهشت است و اگر نافرمانی کنید در این صورت تصمیم‌گیری درباره شما دست خدا است؛ یا شما را می‌بخشد یا عذاب می‌کند. این عده با دلی لبریز از ایمان به سوی مدینه برگشتند و به ترویج و تبلیغ اسلام پرداختند و نامه‌ای به پیامبر نوشتند که برای آنان مبلغی بفرستند تا قرآن را به آن‌ها بیاموزد. پیامبر مصعب بن عمیر را برای تعلیم و تربیت آنان فرستاد. در پرتو تبلیغات و تعلیمات این مبلغ توانا، مسلمانان در غیاب پیامبر دور هم جمع می‌شدند و اقامه نماز جماعت می‌کردند (همان، ۱ / ۱۳۱) با این کار مسلمانان پایگاهی محکم و باورانی تازه پیدا کردند و شهر مدینه آماده پذیرفتن پیامبر و تأسیس اولین حکومت اسلامی شد.

#### نتیجه‌گیری

نبی اکرم در زمان حضور در مکه با ارائه یک مکتب مدیریتی - تربیتی و برنامه‌ریزی برای جذب افراد و با تکیه بر مبانی پایدار و اصول مطلق، سازماندهی گروهی و سایر روش‌های مؤثر مدیریتی، سه سال از دوران رسالت خود را به دعوت خصوصی و فردسازی اختصاص دادند.

در این مدت با افرادی که مسلمان می‌شدند در جلسات خصوصی و پنهانی در مکان‌ها و شرایط مختلف، به نماز و راز و نیاز با خدا پرداخته و به آن‌ها قرآن و معارف دینی را آموزش می‌دادند. ایشان پس از این دوره روش‌های جدیدی در تبلیغ بکار برد و دعوت از خویشاوندان را شروع و در اولین جلسه با خویشاوندان تداوم و ماندگاری نهضت خود را با تعیین وصی و جانشین خود آشکار کردند. در این زمان بعضی به او ایمان آورده و برخی با او به مخالفت و ستیزه برخاستند؛ لیکن تهدید و تطمیع و آزار قریش در سست کردن اراده ایشان کارساز نبود. پیامبر در تمام این دوران بدون ورود به درگیری و جنگ نهضت خویش را به پیش بردند. در طی حضور در مکه نیز آن حضرت با تشویق تازه‌مسلمانان به حفظ قرآن و اتخاذ روش‌های تشویقی برای فراگیری قرآن و استفاده از کاتبان وحی، در حفظ و بقاء آن تلاش کرده و با درایت از نابودی و تحریف قرآن جلوگیری کردند. ایشان برای ادامه نهضت و حفظ موجودیت آن در طی یک تاکتیک مدیریتی، با سران عشایر و قبایل مختلف و زائران کعبه دیدار آن‌ها را به اسلام دعوت کرد و با انعقاد پیمان با تعدادی از مردم مدینه در عقبه و متعهد شدن آن‌ها به دفاع از نبی مکرم(ص) و اسلام، راه برون‌رفت از فشار و آزار مکیان را هموار کرد. همه این موارد گوشه‌ای از جلوه‌های نظام جامع مدیریتی و تربیتی و برنامه‌های هدفمند ایشان برای سازماندهی نیروهای تازه‌مسلمان و انجام مبارزه‌ای تاریخی و موفق است.

#### پی‌نوشت

(۱) این‌گونه فریاد زدن روش رایج عرب برای جلب توجه مردم به امور مهم و پیشامدها بود و این کلمه را برای اعلان خطر به کار می‌بردند و خبرهای ترسناک را نوعاً با آن اعلام می‌کردند (ابن سعد، ۱۴۰۵، ۱ / ۲۰۰ و یعقوبی، ۱۹۶۰، ۱ / ۳۸۳).

## کتابنامه

- ابن ابی الحدید (۱۴۱۸ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن اثیر (۴۰۷ق)، الكامل فی التاریخ، تحقیق عبدالقاضی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن اثیر (۴۰۹ق)، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- ابن سعد، محمد (۱۴۰۵ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دارللطباعه و النشر.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۶۹ق)، متشابه القرآن، قم: دار بیدار.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶)، کشف الغمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن فارس، احمد، بی تا، معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ ۳، بیروت: دار صادر
- ابن هشام (۱۴۰۹ق)، السیره النبویه، تعلیقات عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی.
- احمدی، سید احمد (۱۳۸۰)، اصول و روش های تربیت در اسلام، چاپ ۴، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- احمدی، علی اصغر (۱۳۸۲)، اصول تربیت، چاپ ۳، تهران: انجمن اولیاء و مربیان،
- اعراف، علیرض (۱۳۹۱)، درآمدی بر تفسیر تربیتی، نگارش: سید نقی موسوی، قم: اشراق و عرفان،
- اعراف، علیرضا و همکاران (۱۳۷۴)، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، فلسفه تعلیم و تربیت، چاپ ۲، تهران: سمت و پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ایوبی، محمد، اسدی، اصغر، غریبی، حسین، (۱۳۸۶)، مدیریت نظام علوم، تحقیقات و فن آوری، پرسش های اساسی، تهران: پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، تهران: مدرسه.
- (۱۳۷۸)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ ۱۸، تهران: مدرسه.
- بهشتی، سعید، زمینه ای برای بازنمایشی در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: نشر ویرایش.
- جمعی از نویسندگان، آرای دانشمندان مسلمان در فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، ۱۳۷۷ و ج ۲، ۱۳۷۹، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، تهران: سمت
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۴۴۲)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: تقدیم و دراسة محمود مطرجی، بیروت: دارالفکر.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۸ق)، وسایل الشیعه، قم: آل البیت.
- حجتی، محمد باقر، (۱۳۸۴)، پژوهشی در تاریخ قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حسینی، علی اکبر، (۱۳۸۸ ش)، مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حلی، (۱۴۰۹ق)، السیره الحلییه، بیروت: دارالمعرفه.
- خویی، سیدابوالقاسم، بی تا، البیان، قم: موسسه احیاء آثار خویی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، چاپ ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق) اعلام الدین، قم: آل البیت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق و بیروت: دارالعلم الشامیه.
- رضایی اصفهانی، درسنامه روشها و گرایش های تفسیری قرآن، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- رضائیان، علی (۱۳۸۷)، مبانی سازمان و مدیریت، ویراسته علی اصغر پور عزت، چاپ ۱۱، تهران: سمت.
- الزرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان، قاهره، داراحیاء الکتب العربیه.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۷)، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، قم: دارالحدیث.
- سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۱ق)، تفسیر الدر المنثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۲)، مبانی و روشهای تفسیری، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

- شریعتمداری، علی، (۱۳۸۳)، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: امیر کبیر.
- الشرتونی، سعید خوری، (۱۴۰۳ ق)، اقرب الموارد فی فصیح العربیہ و الشوارد، قم: مکتبه آیت الله مرعشی.
- صانعی، مهدی (۱۳۸۰)، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ ۳، مشهد، سناباد.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۰)، کمال الدین و تمام النعمه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۹۷۰ ق)، اعلام الوری باعلام الهدی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو و ۱۴۱۵ ق، بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات.
- طبری، ابن جریر، محمد (۱۴۰۹ ق)، تاریخ الطبری، بیروت: مؤسسه اعلمی.
- عباس زادگان، سید محمد (۱۳۷۶)، مبانی اساسی در سازماندهی و رهبری، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- فاکهی، محمد بن اسحاق (۱۹۹۴)، اخبارمکه، تصحیح: عبدالملک بن دهیش، بی جا.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بی تا، القاموس المحیط، بی جا، بی نا.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لاحکام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- کردی، محمد امین، ۱۴۱۰، تاریخ المعالم المدینه، مدینه، دارالعلم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق) بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء تراث العربی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ ش)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۹)، مدیریت و فرماندهی در اسلام، چاپ دوازدهم، قم، نسل جوان.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۹)، سیری در سیره نبوی، قم: صدرا.
- مظفر، محمدرضا، (۱۴۰۵ ق)، اصول فقه، قم: نشر دانش اسلامی.
- ملکی، حسن، (۱۳۸۲)، مبانی و اصول تربیت، زنجان، نیکان کتاب.
- میلا، گاستون، (۱۳۷۵)، معنی و حدود علوم تربیتی، ترجمه علی.
- میلانی، سید علی (۱۴۲۷ ق)، تشیید المراجعات و تفنید المکابرات، چاپ چهارم، قم: الحقایق الاسلامیه.
- نویری، احمد (۱۳۶۴ ش)، نهیة الارب، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: امیرکبیر.
- یعقوبی، احمد بن محمد (۱۹۶۰ م)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصاد.

## مقالات

- اعرافی، علیرضا، موسوی، سیدنقی، ۱۳۹۰، دانش تربیت؛ وضعیت مطلوب علوم تربیتی، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال ۳، ش ۲، ص ۵۷-۷۶.
- باقری، مصباح الهدی، ۱۳۸۰، جنبه‌هایی از مدیریت بحران پیامبر اکرم ص، اندیشه صادق، سال ۲، ش ۳ و ۴، ص ۲۱-۳.
- تقوی، هدیه، ۱۳۹۶، شیوه‌های مدیریتی پیامبر ص در هم‌گرا کردن بازار مدینه با آموزه‌های اقتصادی اسلام، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال ۸، ش ۲۷، ص ۲۶-۷.
- رضایی، صادق، بهشتی، سعید و رفیعی، حسن رضا، ۱۳۹۵، سیره مدیریتی پیامبر اکرم ص در حوزه انتظام اجتماعی، انتظام اجتماعی، سال ۸، ش ۲، ص ۱۶-۱.
- علیا نسب، سید حسین، ۱۳۹۴، شیوه پیامبر اکرم ص در مدیریت روانی جامعه اسلامی، اسلام و روان‌شناسی، ش ۱۶، ص ۷۸-۵۵.
- نساجی زواره، اسماعیل، ۱۳۹۳، پیامبر اعظم ص برترین الگوی مدیریت، پاسدار اسلام، ش ۳۹۵، ص ۱۳-۸.
- ولوی، علی محمد، ۱۳۷۹، رهبری و مدیریت پیامبر در شرایط بحران، پژوهش موردی در مدیریت پیامبر در غزوه احزاب، تاریخ اسلام، ش ۳، ص ۲۳-۷.

یادگاری خندانی، فردوس، محمدی، حمید، ۱۳۸۷، بررسی مؤلفه‌های ذهنیت فلسفی در مدیریت پیامبر اکرم ص، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۲، ش ۲، ص ۲۲۵ - ۱۹۱.